

ناصر هادیان، تحلیلگر ارشد مسائل امریکا در گفت‌وگوی اختصاصی با «اعتماد»:

دست ایران در مذاکرات غیر هسته‌ای پُر است

سیاست دونالد ترامپ، تغییر نظام در ایران است



مصاب‌هاهران

هدف کاهش توان نظامی و سیاسی ایران است.

■ امیدوار هستمند که این کاهش توان نظامی و سیاسی به انقلابی در درون منتهی شود؟

نه‌الزاما،امیدوار هستمند که بااین اقدام ایران، درگیر مسائل داخلی خود شود و شاید هم در رفتار های منطقه‌ای خود تجدیدنظر کند.

■ دست ایران نیز در عکس‌العمل نشان دادن به امریکا در صورت تحقق چنین سناریویی بسته نیست، به هر حال ایران متحدان قابل توجهی در منطقه دارد که اتفاقا یکی از اصلی ترین آنها بیخ گوش رژیم اسرائیل است و نیروهای امریکایی در منطقه نیز کم نیستند.

خیر، در صورتی که به این سناریو فکر کنند تصور هم خواهند کرد که ایران بااین بمباران وسیع و هدفمند، عقب‌نشینی می‌کند. اگر ایران از بازوهای خود در منطقه برای تلافی استفاده کند، طرف مقابل بر حجم حملات خود می‌افزاید. از سوی دیگر، معمولا عکس‌العمل های ایران و تاخیر بوده‌بلافاصله عکس‌العمل نشان نمی‌دهد.

■ برخی از منتقدان و تحلیلگران از اشتباه راهبردی در مذاکرات هسته‌ای سخن می‌گویند با این استدلال که ایران و امریکا سابقه ۴ دهه خصومت‌ورزی در همه حوزه‌ها را با هم دارند. جدا کردن یک مساله (هسته‌ای) و مذاکره با امریکا در مورد آن با توجه به اینکه می‌دانستیم سایر اختلاف‌ها هم پورنگ است و می‌تواند بر اجرای صحیح توافق هسته‌ای تاثیر بگذارد (که گذاشته است)، اشتباه‌دست.

سیاست امریکا در قبال ایران همواره مهار به علاوه تعامل گزینشی بوده‌است و به نظر من سیاست ایران نیز باید رفع مهار و تعامل جامع باشد. گفت‌وگو و تعامل با ایران همواره برای امریکاجنبه‌اوژنسی داشته‌و نه برای ایران. این بدان معنا نیست که پرونده‌های مشتر کی مانند افغانستان و

وجود آمده است. شرایط بین‌المللی فرق کرده و در حالی که تا چند سال پیش ایران به دلیل برنامه هسته‌ای‌اش گوشه رینگ بود اکنون این وضعیت برای امریکا به دلیل مخالفت‌هایش با برجام‌و وجود آمده‌است.

■ دوباره می‌توانند ایران را با بهانه‌های جدید مانند آزمایش‌های موشکی یا فعالیت‌های منطقه‌ای به گوشه رینگ ببرند؟

تلاش برای امنیتی‌سازی دوباره پرونده ایران آغاز شده است اما موفق نخواهند شد. این مقوله از توانایی لازم برای اینکه ایران را تهدید برای صلح وامنیت بین‌المللی معرفی کند، بر خوردار نیست. فعالیت‌های ایران در حوزه هسته‌ای با پیوندهای موشکی متفاوت است. مساله هسته‌ای هم حساسیت ذاتی بیشتری داشت و هم به دلیل برخی مدارکی که دال بر مخالاف ادعای ایران در دست داشتند ابعاد دیگری پیدا کرده بود. اما آن حساسیت‌ها در باره مسائل موشکی وجود ندارد و اصلی‌ترین دغدغه آنها برد موشک‌های ایران است. در حوزه موشکی، ایران حرف‌های بسیاری برای گفتن دارد. در زمان جنگ تحمیلی ایران مورد حمله قرار گرفت و هیچ کس در سطح بین‌المللی از ایران دفاع نکرد. مساله دیگر این است که موشک، جزو سلاح‌های متعارف است. زمانی که دنیا این میزان سلاح به رقبای ما در منطقه می‌فروشد اما ما را تحریم کرده، ایران چگونه می‌تواند در برابر خطرات و حملات احتمالی از خود دفاع کند؟ اگر قرار است مذاکره‌ای بر سر مسائل موشکی شکل بگیرد باید پرونده موشکی همه کشورهایی که در منطقه این قبیل تجهیزات را در اختیار دارند، روی میز قرار بگیرد. باید مشابه همان تجهیزات در ایران فروخته یا باید روند تجهیز سایرین در منطقه نیز متوقف شود. دیگران نمی‌توانند عنصر دفاعی یک کشور را از آن بگیرند و ادعا کنند که وجود این عنصر دفاعی به آنها احساس ناامنی می‌دهد. ما چه در مذاکرات و چه در محکم‌افکار عمومی دنیا در باره

»

■ اگر قرار است مذاکره‌ای بر سر مسائل موشکی شکل بگیرد باید پرونده موشکی همه کشورهایی که در منطقه این قبیل تجهیزات را در اختیار دارند، روی میز قرار بگیرد. با یاد مشابه همان تجهیزات به ایران فروخته یا باید روند تجهیز سایرین در منطقه نیز متوقف شود. دیگران نمی‌توانند عنصر دفاعی یک کشور را از آن بگیرند و ادعا کنند که وجود این عنصر دفاعی به آنها احساس ناامنی می‌دهد. ما چه در مذاکرات و چه در محکم‌افکار عمومی دنیا در باره موشکی حرف داریم.

■ شرط حضور ایران در برجام، متوقف شدن از آن است. اگر قرار باشد امریکا و سایرین در برجام باقی بمانند اما مانع از بهرهمندشدن ایران از توافق شوند، تهران برای باقی‌ماندن در برجام چه دلیلی دارد؟

■ اگر مشکلات داخلی در ایالات متحده تشدید شود و ایران به «دشمن سودمند» برای ترامپ بدل شود، ایران در رادار توجه ترامپ قرار می‌گیرد.

»

»

»

عراق برای ایران مهم نبوده‌اما برای امریکاجنبه‌اوژنسی داشته است. لذا ما باید سیاست تعامل جامع را در پیش می‌گیریم

■ با توجه به فضای موجود میان تهران – واشنگتن در ۴ دهه گذشته امکان چنین تعاملی که مدنظر شماست، وجودداشت؟

در داخل ایران مخالفت‌هایی با این ایده وجود دارد و به همین دلیل دستورالعملی که با آقای طریف داده شده این بود که صرفا در باره مسائل هسته‌ای با طرف مقابل مذاکره کند. باوجوداینکه من از منتقدان برجام بودم ولی از این توافق حمایت کرده‌ام و امروز هم از برجام دفاع می‌کنم و حتی امروز می‌توانم دستاوردهای بیشتری هم را سرکار آمده که در تاریخ این کشور بی‌سابقه است. پیش از مشخص شدن نتیجه انتخابات امریکا در سال ۲۰۱۶،

وضعیت موجود در این باره می‌داند و نه ایران را. برجام به نفع ما تمام شده‌است.

ولی از این توافق حمایت کرده‌ام و امروز هم از برجام دفاع می‌کنم و حتی امروز می‌توانم دستاوردهای بیشتری هم را سرکار آمده که در تاریخ این کشور بی‌سابقه است. پیش از مشخص شدن نتیجه انتخابات امریکا در سال ۲۰۱۶،

وضعیت موجود در این باره می‌داند و نه ایران را. برجام به نفع ما تمام شده‌است.

خود بنویسد این مساله حساسیت‌زای شود. هیچ کدام از کشورهای اطراف ما چنین شعارهایی روی تجهیزات نظامی خود نمی‌نویسند. ایران در معرض برخی اتهام‌ها قرار دارد و برخی از موضع‌گیری مقام‌ها نیز هزینه ساز شده‌است. حقیقت این است که در سطح بین‌المللی جمعی ضد ایران هستند و به دنبال بهانه‌تراشی علیه تهران هستند. همزمان جمعی نیز هستند که شایسته ایران نیستند اما مخالفت چندانی هم با ایران ندارند. ایران باید این دسته دوم را تقویت کند و برای تضعیف گروه نخست، روایتی از موشک‌های خود ارایه دهیم که مبتنی بر منافع ملی و دفاع مشروع باشد. ما شاهد بازی شطرنج در داخل امریکا، مهم‌ترین مخاطب ایران یعنی اروپا و البته چین و روسیه و سایر کشورها هستیم و باید در این زمین به بهترین شکل ممکن بازی کنیم.

■ به نظر می‌رسد که ایران و اروپا ساز هم‌اکنون در شرایط بن‌بست مذاکراتی درباره موشک‌های ایران قرار دارند. مقام‌های متفاوت ایران هر گونه مذاکره موشکی را رد می‌کنند اما همزمان چهره‌ای مانند وزیر خارجه فرانسه می‌گوید که با ایران گفت‌وگوهایی در این زمینه داشته است. خروج از این بن‌بست ممکن است؟

باید تفاوتی میان مذاکره و گفت‌وگو قائل شد. گفت‌وگو همواره وجود داشته است. در گفت‌وگو هر دو طرف سوال مطرح می‌کنند، پاسخ می‌دهند و حتی توضیحاتی را ارایه می‌کنند اما از مذاکره برای رسیدن به یک توافق خبری نیست. گفت‌وگو برای فهم دقیق‌تر موضوعات است و هدف رسیدن به توافق نیست. در مذاکره، هدف رسیدن به یک توافق است. ایران نه در گذشته و نه امروز درباره مسائل موشکی با هیچ کشوری وارد مذاکره نشده اما گفت‌وگو و تبیین نظرات وجود داشته است. اما در میان افکار عمومی جهان این سوال وجود دارد که چرا ایران وارد مذاکره نمی‌شود؟ ایامادچار ضعف در این حوزه هستیم یا کمبود منطق داریم که از مذاکره رو گردان باشیم؟ به نظر من دست ایران در این مذاکرات از پیش پر است و حتی اگر توضیحات و تفسیر خوبی در اختیار دارد و حتی اگر هدف رسیدن به توافق هم نباشد که نیست باز هم ورود به مذاکره با نفع ایران است. ایران می‌تواند در مذاکرات به همسایه‌های دیوار به دیوار خود اشاره کند و بگوید که این کشور موشکی با برد بیش از ۴۰۰۰ کیلومتر دارد و با چه منظور ایران باید از حق طبیعی خود برای دفاع محروم باشد؟ جدا از مذاکرات، ایران یک راه‌دیگر نیز پیش رو دارد: ابتکار یک جانبه. در این راه، ایران می‌تواند پیشنهاد دهد که ما برای مدت زمان محدودی برد موشک‌های خود را مثلاً از ۲۰۰۰ کیلومتر افزایش نمی‌دهیم. مزایا و مضرات این پیشنهاد چیست؟ مزایای آن این است این که یک اقدام داوطلبانه است و هیچ گونه فشاری بر کشور داوطلب نیست و هر زمان اراده کرد می‌تواند دست از این تعهد بردارد. ضرر آن نیز این است که چیزی در مقابل دریافت نبوده و توانمند نیست. در حقیقت این اقدام یک جنبه شما نوعی اعتمادسازی بین‌المللی است. اما یکی از مزیت‌های مذاکره این است که شما در ازای تعهدی که می‌دهید امتیازی در یافت می‌کنید. به عنوان مثال برخی تحریم‌ها برداشته می‌شود، تجهیزات نظامی را در قبال آن می‌فروشد اما ما در تحریم کرد، ایران چگونه می‌تواند در منطقه‌ای ایجاد می‌کنید.

ضرر مذاکره نیز این است که در صورت نقض تعهدات، هزینه زیادی باید پرداخت کنید. به عنوان نمونه امریکا اینکه یک ابرقدرت به حساب می‌آید به سختی می‌تواند برجام را نقض کند چرا که هزینه‌های بسیاری باید پرداخت کند. ایران چندماه پیش برد موشک‌های خود را اعلام کرد و به نوعی برای مهار بحران، ابتکار یک جانبه به خود داد اما شویه‌بان این تعهد و ابراز این ابتکار یک جنبه صحیح نبوده و توانمندست. به نوعی اعتمادسازی می‌کنید. ش که ایران از آن منتفع شود. اگر نه مذاکره و نه ابتکار یک جانبه ممکن باشد دست ایران باز هم خالی نیست و تهران می‌تواند استدلال کند که طرف مقابل توانسته به تعهدات خود در برجام هم عمل کند و امریکابه عنوان یک عضو برجام، باید تهدید به خارج شدن از برجام بمان اما زمانی که یک کشور با توجه به اینکه چندسال مذاکرات طول کشیده، دولت قبلی متعهد به اجرای آن شده‌و سایر متحان امریکانی نیز می‌گویند که واشنگتن باید آن را اجرا کند، باز هم از پاره کردن آن سخن می‌گویند، در چنین شرایطی قرب برد دولت ترامپ در این خصوص هستند. باغرب بر سر موضوع دیگری نمی‌رود.

■ ظاهر در حال حاضر تلاش واشنگتن، پیوند زدن بقای برجام به سایر پرونده‌ها مانند فعالیت‌های موشکی و منطقه‌ای ایران است. در این زمینه واشنگتن، اروپا را نیز تحت فشار قرار داده‌است.

»

»

خطر ات این سناریو تا چه اندازه می‌دانید؟

بدترین حالت برای ما این است که اروپا سیاست راضی کردن امریکا (appeasement) را در برابر امریکا در پیش بگیرد و به واشنگتن بگوید که در برجام بمان اما همزمان ما بر ایران فشارهایی را در حوزه‌های موشکی و فعالیت‌های منطقه‌ای وارد می‌کنیم. تداوم اجرای برجام به دو شکل ممکن است: اجرای صادقانه، اجرای ناصادقانه. اجرای صادقانه برجام به نفع همه‌است و اجرای ناصادقانه برجام دو راه دارد: راه سناتور کروکر و راه دونالد ترامپ. راه رییس‌جمهور امریکا این است که این کشور از برجام خارج شود و راه سناتور کروکر پیچیده‌تر است. راه ترامپ در مجموع هزینه و خسارت کمتری به نسبت راه کروکر برای ایران دارد. اگر ترامپ از برجام خارج شود اروپا به این نتیجه می‌رسد که باید ایران را برای باقی ماندن در این توافق قانع و مجاب کنند. طرح کروکر برای ایران پیچیده‌تر و سخت‌تر است و سه بخش اصلی دارد:

۱- مجلس قانون‌های تحریمی علیه ایران در حوزه‌های غیربرجامی امده کند. ۲- دولت به سمت وضع نظام راستی آزمایی قوی‌تر و اجرای قوی‌تر برجام برود و به زبان

دیگر به دنبال تشدید فشار بر ایران با ابزار ظرفیت‌های موجود در این توافق بگردد. ۳- ایالت‌های متفاوت در امریکا با توجه به نظام فدرالی که در این کشور پابرجاست بر حجم فشارهای ایالتی بر ایران بیفزایند. در صورت خروج امریکا از برجام با هر ترامپ، این امریکاست که در سطح بین‌المللی منزوی می‌شود اما در راه کروکر هدف خروج ایران از برجام تا این‌را به موضوع انزوایدل شود.

■ در صورت خروج امریکا از برجام، ایران چه ابتکار عمل‌هایی می‌تواند انجام دهد؟ آیا در برجام بااروپا

بماند یا همزمان با خروج امریکا از این توافق، از آن خارج‌شود؟

ایران چهار گزینه در اختیار دارد: ۱- عکس‌العمل نشان دهد. به این معنا که اگر آنها برجام را آتش زدند، تهران آن را پاره کند. ۲- ایران به همان میزان از تعهدات خود که تا به امروز وفادار بوده همچنان عمل کند. این بدان معناست که اگر اروپا، روسیه و چین و سایر کشورهای دنیا به تعهدات خود در برجام پایبند مانند ایران نیز به همان اندازه از تعهداتی که تاکنون انجام داده‌ن کمتر و نه بیشتر متعهد باقی بماند. ۳- به تناسبی که امریکا از برجام خارج شده است، ایران از تعهدات خود بکاهد. این بدان معناست که مثلاً گشت‌های ذخیره اورانیوم ما ۳۰۰ کیلو باشد یا خروج امریکا از برجام آن را به ۴۰۰ کیلو افزایش دهیم. ۴- ایران برعکس رفتار کند و تعهدات خود را افزایش دهد و ادعا کند که برای نشان دادن حسن‌نیت به جهان، تعهدات خود را به بیش از حد موجود در برجام افزایش می‌دهد.

■ گزینه آخر که به نظر اجرایی هم نمی‌رسد به خصوص که در ایران هم با آن مخالفت خواهد شد.

بله، به نظر من احتمال اجرایی شدن گزینه‌های اول و آخر

بسیار اندک است. گزینه دوم و سوم در این مسیر مهم و تا

حدودی قابل اجرا هم هستند. ایران می‌تواند به اروپایی‌ها

بگوید که ما به گزینه سوم عمل می‌کنیم اما در نهایت به

گزینه دوم هم رضایت دهد.

■ در گزینه دوم، باز گشت تحریم‌های هسته‌ای امریکا که می‌تواند در روابط تجاری ایران با سایر کشورها تاثیرگذار باشد نیز سبب می‌شود.

در چنین شرایطی، ایران از همین اندازه منافع

اقتصادی که امروز از برجام بهره مند شده نیز

محروم می‌شود.

شرط ایران باید این باشد که اروپا مانع از محروم شدن ایران از منافع اقتصادی برجام شود و از عهده جبران اقتصادی خروج امریکا از برجام بر آید. اگر اروپا به این تعهدات خود عمل نکند، ایران باید از برجام خارج شود. اروپا امکان ایستادن مقابل امریکا را دارد و می‌تواند به کمپانی‌ها وشرکت‌های خود تضمین بدهد.

■ تا چه اندازه امکان مقاومت اروپا در برابر امریکا را قوی می‌دانید؟ اتصال‌های سیاسی و اقتصادی اروپا و امریکابه یکدیگر رانمی‌توانیم دست‌کم بگیریم.

برجام به ۲ دلیل برای اروپایی‌ها مهم است. آنها از عبارت ۵۰+۱ استفاده نمی‌کنند بلکه می‌گویند ۲+۲۴ و از گفتن این عبارت نیز این هدف را دارند که برجام را فرزند خود بخوانند و نقش اصلی در مذاکرات را برای خود قائل باشند. ۲- برجام را یک سند بسیار مهم در حوزه عدم اشاعه می‌دانند. ۳- برجام را برتر و پیروزی دیپلماسی بر جنگ می‌دانند. ۴- برجام را پیروزی چندجانبه‌گرایی بر یکجانبه‌گرایی می‌دانند. اگر امریکا از برجام خارج شود و به تهدید اروپا روی آورد، یک احتمال مقاومت کردن اروپا است. اما یک احتمال دیگر هم این است که اروپا در نهایت بپذیرد که تضال بسیار قوی‌تری با امریکا دارد و نمی‌تواند به خاطر ایران، مقابل امریکا بایستد و ریسک‌های موجود را بپذیرد.

اما در این میان یک مساله کلان‌تر نظام بین‌الملل هم است: من این را یک «آزمون فیصله‌بخش» می‌دانم. اگر اروپا در برابر امریکا کوتاه بیاید به این معناست که امریکا به هژمونی در دنیا بدل شده است. هژمونی که هر لحظه این احتمال وجود دارد که فردی مانند دونالد ترامپ در راس قدرت آن بایستد. اروپا حاضر است تن به چنین مسالهای بدهد یا این مساله می‌تواند آغاز یکی از چندجانبه‌گرایی باشد؟ آزمون فیصله‌بخش را می‌توانیم آزمونی بدانیم که جهان را به سمت تشکیل ائتلاف‌های جدید در سطح بین‌المللی و توزیع دیگری از قدرت می‌برد. **■ امکان الحاق توافقی جدید به برجام یا اصلاح آن را که گفت‌وگو ترامپ است، گفته می‌شود اروپایی‌ها نیز وارد گفت‌وگو با واشنگتن در این باره شده‌اند، چقدر می‌دانید؟**

ایران قطعا درباره برجام، مذاکره جدیدی نمی‌کند. اروپا، روسیه و چین نمی‌می‌دانند که باز گشایی مجدد پرونده برجام منافع امنیت و هر حرفی هم که در این زمینه می‌زنند برای جلب رضایت ترامپ است و حتی چهره‌ای مانند رگس تیلرسون، وزیر خارجه ایالات متحده نیز به خوبی می‌داند که باز گشایی مجدد برجام به منظور اصلاح یا اضافه کردن الحاقیه به آن غیرممکن است. اما همه به دنبال قرب برد دولت ترامپ در این خصوص هستند. تمام چهره‌های امنیتی و سیاسی نزدیک به ترامپ می‌دانند که باقی‌ماندن امریکا در برجام در مجموع به نفع امریکاست. اما همزمان باید راهی پیدا کنند که ترامپ را کنترل کنند به گونه‌ای که وی ادعای پیروزی در این باره بکند و بگوید که به شعارهای خود انتخاباتی خود وفادار ماندم. همه به دنبال یافتن راهی هستند که هم ترامپ ادعای این مسوولیت بر عهده کنگره ایالات متحده‌است و بخشی از آن نیز به اروپا با محول شده‌است. ایران باید بنا بر این بگذارد که اروپا و کنگره موفق به مهار ترامپ در این حوزه نمی‌شوند و او از برجام خارج می‌شود و خود را برای این سناریو مهیا کند تا ایام درگیر بازی‌های ترامپ هر ۱۲۰ روز یک بار نباشد. ایران باید به اروپا فشار بیآورد که در ایران مخالفت‌های جدی با تداوم اجرای برجام وجود دارد چرا که طرف مقابل به تعهدات خود وفادار نبوده است. اروپا باید بداند که برجام در داخل ایران نیز در معرض خطر قرار دارد و واقعا هم اینطور است. در حال حاضر امریکا قادر به وضع‌کردن معضات ماندن یا رفتن از برجام را به گونه‌ای قابل‌پندش نیست که تمام بهای این است که برای خروج امریکا از برجام چه کنیم؟ این قابل‌پندش امریکایی اشتباه‌است و ایران باید به این سمت برود که بگوید اگر ما منافع برجام بهره‌مند نشویم از برجام خارج خواهیم شد. این بدان معناست که شرط حضور ایران در برجام، منتفع شدن از آن است. اگر قرار باشد امریکا و سایرین در برجام باقی بمانند اما مانع از بهره‌مند شدن ایران از توافق شوند، تهران برای باقی‌ماندن در برجام چه دلیلی دارد؟

■ ایران از منافع سیاسی برجام منتفع شده‌است اما بحث بر سر منافع اقتصادی است.

ما باید یاد در نظر گرفتن مجموع منافع تصمیم‌گیری کنیم. تا زمانی که هزینه و سود خود از باقی‌ماندن در برجام را بررسی می‌کنیم و گف سود ما اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و شان بین‌المللی بر هزینه‌ها سنگینی می‌کند در برجام می‌مانیم.

سارامعصومی

یک‌سال پس از حضور دونالد ترامپ، رییس‌جمهور ایالات متحده در کاخ سفید، رابطه با ایران و توافق هسته‌ای تهران با ۵+۱ بیش از هر مساله سیاست خارجی دیگری مورد بحث و جدل میان کاخ سفید و متحاندانش قرار گرفته و البته با وجود همه غرولنده‌ها از تخریب کامل جان سالم نیز به در برده است. ترامپ تا نیمه ماه مه سال جاری به اروپا فرصت داده تا در مسیر اصلاح یا اضافه کردن الحاقیه‌ای به توافق هسته‌ای گام بردارند؛ اتفاقی که اروپا تاکنون در قبال آن سکوت کرده‌اما همزمان گفت‌وگوهایی را با امریکا درباره آن پیش می‌برد. ناصر هادیان، تحلیلگر مسائل امریکا در گفت‌وگو با «عتماد» تاکید دارد که ایران باید به اعضای حاضر در مذاکرات هسته‌ای بقبولاند که تهران تا زمانی در این توافق باقی می‌ماند که از منافع آن بهره مند شود. مشروح این گفت‌وگو به شرح زیر است:

■ سیاست تغییر رژیم در دولت‌های متفاوت امریکا چه فراز و فرودهایی را تجربه کرده‌است؟ فردی مانند اوپاما در برابر اعتراض‌های مردمی ۲۰۰۹ سکوت اختیار می‌کند یا به صراحت ایده تغییر رژیم را کنار می‌زند اما چهره‌ای مانند ترامپ آشوب‌های اخیر در ایران را بهانه‌ای برای حمایت از این ایده می‌کند؟

طرح این سوال اسباب توفیق است. سیاست به عنوان policy یا آرزو wishful thinking بسیار متفاوت است. اگر از من سوال کنید آیا کلینتون، بوش و اوپاما مایل به تماشای سقوط نظام در ایران بوده‌اند، پاسخ من به شما این است: قطعاً اما اگر سوال کنید که آیا سیاست آنها این تغییر نظام بوده است؟ من به شما می‌گویم که سیاست باراک اوپاما این نبوده‌اما سیاست دونالد ترامپ تغییر رژیم در ایران است. شش گروه برای تبدیل کردن این موضوع به سیاست امریکا همواره تلاش کرده‌اند که عبارتند از: اسرائیل، لابی‌های اسرائیل، عربستان، لابی‌های عربستان، مجاهدین خلق (منافقین) و محافظه کاران جدید که شامل مسیحی‌های صهیونیست نیز می‌شود. این گروه‌ها در دوره‌های روسای جمهور متفاوت امریکا فعال بودند و تلاش می‌کردند ایران را به عنوان تهدید اصلی به جامعه جهانی معرفی کنند و در سایه این تهدیدساز، ایده تغییر رژیم را دنبال می‌کردند. اما تفاوت نگاه به ایران در دوره اوپاما و ترامپ در این است که باراک اوپاما قائل به تفکیک تهدید بود و به سراغ رفتارهای رفت. اوپاما تلاش می‌کرد با بهانه قرار دادن رفتارهای ایران، تهران را بر سر دوا رهای برای انتخاب میان خوب و بد قرار دهد. اما به قول یکی از همکارانم خاتم دکتر هرمزی، در دولت جدید، ترامپ به دنبال ادغام این‌ها م تهدیدهاست تا نتیجه بگیرد که این ماهیت و ذات نظام در ایران است که مشکل ساز است و نه رفتارهای موردی. ترامپ زمانی که در باره سیاست جامع دولتش در قبال ایران سخنرانی می‌کرد ماجرا‌ها را از ابتدای انقلاب یعنی از حادثه گروگانگیری تا امروز به منظور منغشوش کردن ذهن مخاطب بیان می‌کرد: زمانی که شما «مشکل»، اصل نظام بنادید برای رفع آن به تلاش برای تغییر روی می‌آوردید اما در این مسیر موفق نخواهد شد چرا که ابراز این کار را ندارند.

»

»

باید در داخل ایران منابعی برای کودتا داشته باشند یا مردم به سطحی از استیصال رسیده باشند که نیروهای نظامی و امنیتی امکان کنترل اوضاع را در اختیار نداشته باشند. رژیم در ایران کاملاً بر اوضاع مسلط است. در تئوری انقلاب‌ها می‌گویم یک اصل این است که اگر نظام توانایی و اراده کنترل اوضاع را داشته باشد، امکان وقوع انقلاب به نتیجه رسیدن شورش‌ها تقریباً صاف خواهد بود. نظام ما هم توانمندست و هم اراده برای کنترل اوضاع را دارد. بنابراین ایده تغییر نظام به جایی منتهی نخواهد شد. اما نگرانی من احتمال وقوع جنگ‌است.

■ جنگ تصادفی میان ایران و امریکا – خاطرم هست که در نخستین مصاحبه با «عتماد» می‌بیس از پیروزی دونالد ترامپ آن را نکته نگران‌کننده‌ای خواندید؟

بله، هم «حادثه‌ای» و هم «برنامه‌ریزی» شده. هنوز هم نگرانی اصلی من همین موضوع است. برداشت اشتباه یا خطای محاسباتی می‌تواند یکی از عوامل آغاز جنگ